

سد و یک نام آهورا مزدا

در زبان گُردی باستان

نامه‌های باستانی فراوانی به زبان گُردی برجای مانده است که برخی ناگفته‌ها را به روشنی می‌نمایاند و ما را با پیشینه‌ی اندیشه‌های پیشینیانمان آشنا می‌کند. از آیین‌های باستانی ایران، به‌ویژه آیین مزدیسنا، کیش‌های فراوانی در میان گُردان، امروزه به‌جای مانده که پیروان این کیش‌ها، به‌خوب آیین‌ها و روش‌های باستانی ایرانی را پاس داشته‌اند. با کاوش در نامه‌های آشوبی این کیش‌ها، به‌راستی‌هایی دست می‌یازیم که اندیشه‌ی نیک و کردار نیک و گفتار نیک را در ما، بیشتر و بهتر فروزان می‌سازد. در این گفتار نخستینه، سد و یک نام آهورا مزدا را از میان چندنامه‌ی آشوبی، به‌زبان‌های گُردی باستان گرد آورده و همراه با سنجش این واژگان از دیدگاه زبان‌شناختی، پیشکش می‌کند.

۱- یه‌زت yazat ی زت

یَزَت: یَزَن و یَسَن و یَزَت از یک ریشه‌اند و به‌چم: پرستش، شادی، جشن، راز و نیاز با آهورا مزدا، ستایش به‌جای آوردن و هوره‌خوانی آمده است. واژه‌ی «یَزَت» در اینجا، به‌چم «بزرگ ستایش شونده» است. واژه‌ی ایزدی و ایزدی از همین نام گرفته شده است. در آوستا واژه‌ی یَزَم اید (مردم‌سورده سورده) از ریشه‌ی یَز (مردم) به‌چم: یزیدن، یشتن، ستودن، پرستیدن، نماز گزاردن و نیایش به‌جا آوردن آمده است.

۲- هَر وِیَسپِ آگا har wisp āgā ناگا

هَر وِیَسپِ آگا: «هَر» یا «هَر» در کُرْدیِ باستان (اوستایی) و کُرْدیِ نوین، به چَمِ بسیار است. همچون: هره به رز hara barz هَرَب رز به چَم: بسیار بلند.
ههره مهن haramazin هَرَم زن؛ به چَم: بسیار بزرگ. ویسپ یا ویسپ، به چَم: همه، سراسر می باشد.

آگا، به چَمِ دانا و کاردان و آگاه.
چَمِ واژه ها: بسیار دانا بر همه چیز.

۳- ئه بده abda = اَبَدَ.

ئه بیدان abīdān = آبیْدان.

به چَم: با هوده، بایسته و بی آغاز است.

عابد، عبد، عباد و عبید تازی، همگی از این واژه گرفته شده است. این واژه همان: آبدان به چَمِ سرچشمه و بِنِ آب.

۴- بوونه ستهف būnastaf = بوُنَس تَف:

بون + ستهف: بون = در کُرْدیِ باستان و کُرْدیِ نوین به چَم: هستی و بِنِ و ریشه آمده است. ستهف: ستایش، استوار، بسیار. بِنِ و ریشه ی ستایش، هستی استوار، چَمِ این فرنام است.

۵- چیمه غ čēmaq = چَمِ غ:

چَمِ + مَغ = چَم: چکامه، چه، چون، برای، زیرا، چشم.

مَغ: بزرگ، سرور، پروردگار. مَغ، مَغ، یَغ و ماد و ماه، همه از یک ریشه اند. در پهلوی: چَمِگ یا چَمِغ به چَمِ فرنودی، گویا آمده است.
این فرنام به چَم: چشم بزرگ، بینای بینایان و چشم و دیده مزدا می باشد.

۶- تووم ئافه یه tūm āfaya = توَم آفِئ:

توَم + آفِئ: توَم: نژاد: تخم و خاندان. در کُرْدیِ نوین توَم tom به چَمِ تخمه کاربرد دارد.
توَم: پسوند سازنده ی کواشهی بلند است.

آفِئ: روشنائی، پاکی. از آب گرفته شده.

تخمِ پاکِی ها، نژاد پاک برتر (آریا)، چَمِ این فرنام است.

۷- په‌روه‌نده = parwanda = پَرَوَنْد:

در پهلوی: پَرَگ، به چم پیشکش. پَر: بال، پَرَوَر: پرداز. پروند: فراگیری، پَرَوَنْگه: تخت وارونگ، وَنْگ: بانگ. این فرنام به چم: پیوند دهنده و تخت وارونگی آهورایی است.

۸- هه مَوَّه یافه = hamo ayāfa

هَمْ آیَاف: هَمْ و هَمو در کردی نوین و باستان به چم: همه، همگان، هم، همان آمده است. آیَاف: یافتن، سپاسه، مراد، یابنده. «یابنده‌ی همگان» یا «مراد همگان» چم این فرنام است.

۹- گیرا girā

این واژه در کردی امروز و باستان به چم: پذیرفته شدن ستایش و نماز است.

۱۰- چیمه‌نا = čīmanā = چیمنا:

چما = چمان در کردی نوین همان چم است. چم این فرنام: چستی چستی‌ها می‌باشد.

۱۱- هه‌ر ویسپ ته‌وان har wisp tawān

= هرویسپ تَوان: هَر + ویسپ + تَوان: بسیار توانا بر همه چیز.

۱۲- هه‌رو ویسپ خولای har wisp xulāy

= هَر ویسپ خولای: هَر: بسیار. ویسپ: همه، همگان. خولای: شادی، خوشبختی، بهروزی، خدای.

«خداوند بسیار بزرگ شادی‌بخش همگان: انی و مطالعات فرنگی»

۱۳- ته‌وی ته‌نجام awê anjām

اَوَآنجام: اَو + آنجام: اَو و اَ = نشانه‌ی رانش: بی، نا = چم این فرنام: بی‌انجام.

۱۴- فراخته‌ته Firāxtanta = فراختنت

فراخ + تَنْت: فراخ: گسترده، بسیار، بی‌شمار. تَنْت = تَنْفنده: توانا، بسیار توانا. «توانای بسیار گسترده».

۱۵- په‌ر زه‌ه‌ته‌ره parzah tara

پَرزَه تَر: پَرزَه + تَر:
 پَرزَه یا پَرَمَن: اندوخته.
 تَر: بسیار خوب. (پسوند سازنده‌ی کواشه‌ی برتری دادن).
 «خوبترین اندوخته‌ها».

۱۶- نه بهره هوهنت abarah want

آبَرَه و نَت: آبَرَه + و نَت:
 آبَرَه: بزرگ، بالاتر، برتر، آبَر، آبَر ویت: کامروا، پیروز. و نَت و ون در کُردی نوین و باستان:
 گم، پنهان، جایگاه، بلندی. و نَت و و نَد در «الوند» نیز به چم جای بلند است.
 و نَت در کُردی نوین، به چم بسیار زیبا نیز برآمده است.
 چم فرنام: آبَر جایگاه، بزرگترین و بالاتر از همگان.

۱۷- نهن نه یافه an ayāfa: آن آیاف:

آن + آیاف: آن: نا، بی (نشانه‌ی رانش).
 آیاف: به دست آوردن، رسیدن، یافتنی.
 آن آیاف: درنیافتنی.

۱۸- ناده روو ādarow آدَرُو:

در کُردی نوین، این واژه (آدَر) به چم «نژاده‌ترین» است. این واژه به چم راست‌ترین می‌باشد. در گاتاها، یسنای ۴۹، بند ۱ و یسنای ۶۸، بند ۲۱، و در ویسپرد، کرده‌ی ۴، بند ۱، «آدا» و «ارت»، با هم یاد شده‌اند که به چم: ایزد توانگری است. در پهلوی؛ واژه‌ی «آدروگ» داریم که به چم: «آتش همساز» آمده است.

۱۹- نه چیم ačim: آچیم = آ + چیم:

آ: رانش: نه، بی.
 چیم: چه، چیستی، انگیزه، شوند.
 «بی چیستی»، «بی شوند».

۲۰- سه پینا sapinā = سپینا.

در پهلوی: سپیناگ: به چم: آشوبی.
 چم فرنام: نیکی بر = خوبی رسان.

۲۱- نهوزا = awzā = اوزا.

در پهلوی: اویراگ: به چم ناپیدا.
اوزا: افزا = افزایش، فزونی، افزایشنده.

۲۲- ناشا = nāša =

به چم: دادگر، دادگستر. از ریشه‌ی آشا، به چم: پاک.

۲۳- پیره ورا = parawrā = پَرَوَرا:

پَر + ورا = پَر: پیش. وِرا: بَرزنده، بردن.
در پهلوی: پَرِوال: پروردن.
چم این فرنام: پیش‌پرنده.

۲۴- تاوینه = awēna = آوِن: آ + وِن

آ: با. وِن: سیما، چهر.

چم فرنام: باچهر. با سیما. سیمادار.

۲۵- ئایین ئاوینه = āyīn āwēna = آیین آوِن،

آیین + آوِن: آیین: دگرگون نشدن آوِن: چهر، سیما.
«دگرگون نیافتن سیما»: کسی که سیمایش دگرگون نمی‌شود.

۲۶. ئهون تاوینه = ān āwēna = آن آوِن: آن + آ + وِن:

آن: بی، نا

آ: نشانه‌ی استواری: با، همراه.

وِن: چهر، سیما.

«بی سیما»، «ناچهر».

در پهلوی: اویرگ: ناپیدا.

۲۷- واسنا = wāsnā =

همه‌جا بوده دارنده.

۲۸- مینوو تووم = minū tūm: مینوتوم:

مینو: + توم:
 مینو: آسمانی، مینویی، مینو (جان)
 توم: تخم، دوده، تم، تاریکی. (پسوند سازنده‌ی کواشه‌ی بلند).
 در پهلوی: مینوگ: آسمانی.
 چم این فرنام: «تخم آسمانی».

۲۹- خره ئوشیت تووم xira ošit tūm =

خُرْ اُشیت توم: خُرْ + اُشیت + توم:
 خُرْ: خُرْتُ: توانا، بردبار، نیرومند.
 اُشیت: اُزشتات: راستی، فرشته‌ی راستی.
 در پهلوی: اُشه، توانا، بزرگ.
 اُشی: خرد، هوش.
 اُش: هوش، هوشیاری.
 اوش: مرگ.
 اُش: سپیده‌دم.

توم: تخم؛ پسوند سازنده‌ی کواشه‌ی بلند.
 چم این فرنام: تخم توانایِ راستی. هوشِ نیرومند راستی.

۳۰- هَر ویسپ تووم harwisptūm: هَر ویسپ

توم: هَر + ویسپ + توم:
 «تخم بسیار فزاینده‌ی همگانی»

۳۱- هوسِی پاس hūsi pās:

هوسِی پاس، هوسِی + پاس
 هوسِی: نیکنام (کواشه)
 پاس: پاسداری.
 «نیکنام سزاوار پرستش».

در بند ۱۲۲ فروردین یشت، هُوسِپا: نام یکی از پارسایان است.

۳۲- هَر هِمیت har hēmīt:

هَر هِمیت: هَر + هِمیت: بسیار. هِمیت و هِمی و هیوا در کردی باستان (اوستایی) و

کردی نوین به چم «امید» است.
چم این فرنام: امیدگاه، امیدگاه همگان، امید بسیار.

۳۳- هەر نیکفه ری har nêkfarê:
هَر نِکْفَر: هَر + نِک + فَر: فَر و شکوه زیبایی ها و نیکی ها.

۳۴- تیش ته رنا êštarnā
اِش + ترنا: اِش: اندوه، درد، گزند.
تَرنا: زداينده.
در پهلوی: پیشاز: شفا دهنده.
چم این فرنام: زداينده ی دردها و اندوه ها.

۳۵- ته روونیس tarūnīs = ترونیس:
تَرُو + نیس: تَرُو: تَرنا = زداينده
نیس: بدی، زشتی، ناپاکی.
چم این فرنام: زداينده ی بدی ها و ناپاکی ها.

۳۶- نه نه ئوشک ana ošk =
اَن اُشک: اَن + اُشک: اَن: بی، نا: پیشوند رانش برای واژه هایی که با واکه آغاز می شود.
اُشک: (نوش =) مرگ.
اُوش: مرگ، سپیده دم.
«بی مرگ»، «جاودانی».

۳۷- فوره شک farašk فرَشک:
در پهلوی: فَرَش، فرشگرد: بازسازی پایان جهان.
فَرَشوگ رتی: رستاخیز.
چم این واژه: کام ده.

۳۸- په زوو هه د هه د pazow had had:
پَزُو هَد هَد: پَزُو + هَد هَد: پَزُو یا، ویزه: پژوهش، پژوهیدن.
«کسی که سزاوار است درباره اش پژوهش گردد.»

۳۹- خوا پەر xiwāpar خواپَر
به چم: نیکوکار، مهربان. واژه‌ی خواهر از این ریشه است.

۴۰- نه‌وه خشایا awaxšāyā = اَوخشایا.
در پهلوی: آپخشایشینگ، آپخشایش، بخشایش.
به چم: بخشندگی.

۴۱- نه‌وه رزا awarzā = اَوَرزا:
اَوَر + زا: اَوَر: اَپَر، برتر.
زا: زاد.
«اَبَرزاد، برتری بخش».

۴۲- نه‌سی تووه asi towa =
اَسی تَو: آ + سی تَو: آ: نشانه‌ی رانش. سی تَو: ستوده.
در پهلوی: اَسَتَوَت. ستودن و ستایش؛ نام بازپسین سوشیانت نیز اَسَتَوَت می‌باشد که در
بند ۱۲۹، ۱۲۸ فروردین یشت و در بند ۹۲ تا ۹۶ زامیاد یشت، نام او ستوده شده است.
چم این واژه: «ناستوده» است. کسی که هیچ ستایشی درباره‌ی او نمی‌تواند بزرگی او را
به‌جای آورد.
در اوستا «اَسَتَوَت» آمده به چم: خاکی، گیتی، در بند ۲، هات ۲۸، این کواشه از برای
گیتی آمده.

۴۳- رازکیروگ ریستهگ rrāz Kīrrūg ristag
رازکیروگ ریستگ: رازکیروگ + ریستگ:
رازکیروگ: رازیگر، مهران، (مهندس).
ریستگ: راه، روش.
«مهران و رازیگر آیین».

۴۴- وه‌رون war win
وَر وَن: وَر + وَن: وَر: سوگند، آزمایش ایزدی، دیوار، پناه.
وَن: نام سازی است، پنهان، گم.
«ساز پنهان»، «سوگند پنهان»، «رهاننده».

۴۵- نه فریپه afripa:

أفریپ: آ + فریپ: أ: نا، نه
فریپ: فریپ. «فریب نا پذیر.»

۴۶- نه وی فریپ ته awê firipta:

أو فریپ ت: أ + فریپ + ت: به چم: نافریبنده.

۴۷- نه زه وی azawî: أزوی:

أ: نشانه‌ی رانش، قرا، نا.

زه وی: زمین، جهان مادی.

در پهلوی: ئیوتا: یکتا.

به چم: «فرا زمینی.»

۴۸- کام رت kām rat

کام رت: کام + رت: کام: آرزو، کام، آماج.

زد یا رت: سرور.

«کام دِه سروربخش.»

۴۹- فرامان کام Firāmān kām

فرامان + کام: فرامان: دستور، فرمان.

کام: کام، آرزو.

«کام بخش»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تالار جامع علوم انسانی

۵۰- نه بیخته ن ayēxta: ای خ ت ن

در پهلوی: آیوختن؛ «به هم پیوسته.»

۵۱- نه فه رو مووش afaro mūš

موش: آ + ف ر موش: «نافراموشکار.»

۵۲- هه مارنا hamārnā: همارنا

آمار، هامار، شمار، رسیدگی.

«شماردار»، «آیاره رس».

۵۳- شنایا šināyā:

شنای: ستودن. شنایا: سزاوار ستایش، دانای توانا.

۵۴- ته ته رس. atars:

آت رس: آ: نشانه‌ی رانش.

ترس: یا آهر، در پهلوی، به‌چم: ترس.

«بی ترس».

۵۵- ته بیش abiš: آیش:

آ + بیش: بیش: دشمنی، اندوه، رنج.

«بی رنج»

۵۶- ته فراز دووم afrāz dūm: آفراز دوم:

آفراز + دوم: آفرا: فراز، دوم: پسوند کواشه‌ی بلند.

«برافراز»، «برافراشته».

۵۷- هم م چوون ham čūn: هم چون

هم + چون (چوون)

«همسان»، «همانند».

۵۸- مینو و ستیگر minow sitigar:

مینوستی گر: مینو + ستی + گر: مینو (مینوگ - در پهلوی): آسمانی، مینویی.

ستی: هستی بخش. گر: کیهان، جهان.

«هستی بخش جهان مینویی».

۵۹- ته مینو و رگر aminow gar:

آمینوگر: آ + مینو + گر: «هستی بخش جهان مادی».

۶۰- مینو و نه هه b minow nahab:

میتُو نَهَب: میتُو + نَهَب: میتُو: روان، نَهَب: ناب «روانِ ناب».

۶۱- نازهر باتگهر āzar bātgar: آذربات‌گر:
آذر + وات + گر: آذر: آتش. گَرُ = گُز: زیانه، سازنده، «سازنده‌ی زیانه از آتش».

۶۲- نازهر نه‌مگهر āzar namgar: آذر‌نم‌گر = نم: آب.
«سازنده‌ی آب از آتش».

۶۳- وات نازهر‌گهر wāt āzar gar: وات‌آذر‌گر.
وات: باد، هوا.
«سازنده آتش از هوا».

۶۴- وات نه‌مگهر wāt namgar:
وات‌نم‌گر: وات + نم + گر.
«سازنده‌ی آب از هوا».

۶۵- وات گیل‌گه‌رو wāt gēll gar:
وات‌گیل‌گر: وات + گیل + گر.
گیل: گُل: «سازنده‌ی خاک از هوا».

۶۶- وات‌گیرد‌توم wāt gird tūm:
وات‌گیرد‌توم: «سازنده‌ی هوا و زمین». گیرد: گشو: زمین: گیرد. ده‌هزار سال پیش، آوستا، گرد بودن زمین را آورده است و این واژه؛ گیرد، گرد، در زبان‌گردی باستان، اندیشه‌ی سترگ و دانش ایرانیان را، در درازای گذشته می‌رساند. وات در آوستا؛ هم نام باد است و هم نام ایزدباد. در بندهای ۴۳-۴۴ رام یشت، و در بُنَد هِشَن، از این باد نامبرده شده. توم: آفریدگار. سازنده.

۶۷- نازهر کبیریت‌توم āzar kibrit tūm: آذر: آتش، کبیریت:
افروخته، افروختن، فروزان. توم: سازنده.
«برافروخته‌ی آتش‌ها».

۶۸- وات گهر جای wāt gar jāy. وات گرجای: «سازنده‌ی جایگاه بادها».

۶۹- ئاو تووم āwtūm. آوتوم «آفریدگار آب»

۷۰- گیل نازهر گهر gēl āzar gar: گیل آذر گهر.
گیل، گیل، گیرد، گرد، زمین.
«سازنده‌ی آتش از زمین».

۷۱- گیل وات گهر gēl wāt gar: گیل وات گهر.
«سازنده‌ی هوا از زمین».

۷۲- گیل نه مگهر gēl namgar:
گیل نمگهر: گیل + نم + گهر: «سازنده‌ی آب از زمین».

۷۳- گهر گهر gar gar: گهر گهر:
«آفریننده‌ی آفریننده گان».

۷۴- گهر ئو گهر gar-o-gar: گهر اکر:
«سازنده و آفریننده‌ی نیازها و آفریده‌ها».

۷۵- گهر ئا گهر gar-ā-gar

گهر - آ - گهر: آفریننده‌ی مردم.

۷۶- گهر ئا گهر gar-ā-gar

گهر + آ + گهر: «آفریدگار مردم و باشندگان».

۷۷- نه گهر ئا گهر agar-ā-gar

اگر اکر: «آفریننده‌ی آخشیک‌ها:» (چهار آخشیج).

۷۸- نه گهر ئا گهر agar-ā-gar

اگر اکر: «آفریدگار چهر ستارگان».

۷۹- نه گوومان agūmān: آگومان. «بی گمان، دلارام».
اگومیک؛ در پهلوی: پالوده، نیامیخته.

۸۰- نه ژه مان azamān: آژمان، ژمان، زمان. در پهلوی: آژمان.
«بی زمان، پیرناشدنی»

۸۱- نه خووثان axā-ā-n: آخوان. «بی خواب».
در پهلوی: آخومن، آخوان.

۸۲- ناموشت هوشیار amūšt hošyār
آموشت هُشیار: آموشت: آمرزش، بخشایش.
«بخشایشگر هوشیار».

۸۳- فه شوته نا Fašūtanā: فشوتنا
فشو + تنا: فشو، در کردی پهلوی: پشو، پشوم: برترین، نگهبان. تنا: تن: «برترین تن»
«نگهبان تن».

۸۴- په ته ه مانی patah māni: پت ه مانی
پت + مانی: پت: بردبار، دادگستر.
مانی، ماندنِ همیشگی.
«همیشه دادگستر».

۸۵- پیروز گهر pīroz gar: پیروزگر.
«پیروزگر، پیروز».

۸۶- خوه دای xiwadāy: خودای
«بزرگ بزرگان، خداوندگار».

۸۷- ناهوره مه زده āhora mazda
آهوره مَزْدَ: «هستی بخش دانای بزرگ».
آهوره، یا آسوره، از ریشه ی آسو، به چم: سرور و بزرگ است. در اوستا، گاهی آهوره و

گاهی مَزدا، برای خُدا آمده است. مَزدا به چم بزرگ است. در کردی نوین نیز، هنوز به شیوهی (مَزَن) کاربرد دارد. در برخی بندهای گاتاها، مَزده، به چم هوش و به ویرسپردن و به یاد داشتن آمده است. در سانسکریت، مِزَس؛ به چم دانش و هوش آمده است. «مه» به چم بزرگ و مَزَن و «زدا» به چم دانا است. هُرْمَز نیز از آهورامزدا گرفته شده، به چم: خورشید بزرگ؛ مهرمَزدا. این فرنام، نخستین روز همراه نیز هست. در یسنا، ۴۵، بند ۱، آمده است: «تو باید آن کسی را با ستایش پارسایی خود بستایی که همیشه مزدا آهورا نام دارد.»

برخی آهورامزدا را، آهورامزدا می نویسند که این لغزش بزرگی است. چرا که آهو در اوستا، به چم آک و گناه و بدی و نشانه‌ی رانش آمده است و آهورا درست است.

آهورا مَزدا، آشویی ترین و بزرگترین نام خداوند است. در ایران باستان، مهرمَزدا، آشویی ترین، و نام سترگ خداوند بود که سپس به آهورامزدا دیگرگون یافت.

۸۸- ته برین کوهه ن ته وان abrīn kūhan tawān

أبرین کوهن تَوَان.

أبرین + کوهن + تَوَان

«بزرگ آفریدگار بی آغاز»

۸۹- ته برین نلوته وان abrīn now tawān

أبرین نْ و تَوَان.

«بازساز بزرگ.»

۹۰- وه سپان waspān: وِسپان.

وَس + پان: وِس: فراوان، بسیار.

پان: پهن، پهنه، گیتی.

«گیتی فراوان»، «داده‌ی برتر.»

۹۱- وه سپار waspār: وِسپار.

«بسیار بخشنده.»

۹۲- خواوه ر xiwāwar خواوَر

«هستی بخش مهربان». از ریشه‌ی خواهر.

۹۳- ئاهوو āhū: آهو

«بخشایشگر بی آک».

۹۴- ئه وه خشیدئر awaxšîd-ir

اوخ شیدتر.

«بخشنده‌ی بخشایشگر»، «پرورنده‌ی بخشایشگر».

۹۵- داتار dātār: دادار.

۹۶- ره یوو مه‌ند rrayow mand

زیوَمند: «رخشنده».

۹۷- خه‌ریهمه‌ند xarêhmand خَرِه‌مند.

خَرِه + مند: خَرِه: خُوره، شکوه، فَر. مند: مند.

«شکوه‌مند»، «با شکوه»

۹۸- داوهر dāwar: داوَر

۹۹- کیرفه‌گه‌ر kêrfagar: کِرپَ کَز

«نیکوکار»، «آفریننده‌ی رستگاری».

«درگوش، اِزدی (ایزدی) - زردشتیان کُرد - کِرِف به چم: همپیمان و دوست و پاداش

آمده است.»

۱۰۰- بوختار buxtār:

«رهایی بخش»، «رستگاری».

۱۰۱- فه‌ر شوو‌گه‌ر faršūgar

فَرشوگَر: «رستاخیزکننده».

دیدگاه: زبان کردی باستان، همان زمان مادی یا اوستایی ست (مادر زبان‌های گیتی)، که پس از پیدایی آیین مزدایی، به پیامبری آشو زردشت گُرد، این زبان، زبان اوستایی و نامه‌ی آشو زردشت، اوستا نام گرفت.

دستاویزها

- ۱- نسخه‌ی نویسه‌ی «جلوه ۱۹۷۹ لره»
- ۲- نسخه‌ی نویسه‌ی «مسحف رش مانیلا»
- ۳- نسخه‌های نویسه‌ی نوشته‌های آیینی یارسان.
- ۴- نسخه‌ی نویسه‌ی نامه‌ی «پیر شهریار زردشتی هورامی».
- ۵- نسخه‌ی نویسه‌ی **وید ووس** (فروزه‌های نیک و پسندیده).
- ۶- نسخه‌ی نویسه‌ی **دودهری** (پیغام آور).
- ۷- صفی‌زاده، فاروق (مهرکیش اوستا)، در پیرامون ادب و زبان کردی باستان در سنجش با دیگر زبان‌های آریایی هند و اروپایی. انتشارات بوره که بی. مرکز نشر پژوهش‌های کُردشناسی، سنندج، ۱۳۷۵، چاپ نخست.
- ۸- صفی‌زاده، فاروق (مهرکیش اوستا)، برگردان نامه‌ی سپند اوستا، انتشارات ایران-جام، تهران، ۱۳۷۵.
- ۹- صفی‌زاده، فاروق (مهرکیش اوستا)، زبان‌های آریایی، تهران ۱۳۷۵، انتشارات مؤسسه‌ی پژوهش‌های ایران شناسی.
- ۱۰- صفی‌زاده، فاروق، دین‌های ایرانی، مؤسسه‌ی نشر پژوهش‌های ایران شناسی.
- ۱۱- صفی‌زاده، فاروق، (مهرکیش اوستا)، آیین مزدیسنا در میان کردان، انتشارات فروهر، تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۲- صفی‌زاده بوره که بی، پروفیسور صدیق، نوشته‌های پراکنده درباره‌ی یارسان، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، چاپ نخست ۱۳۶۱، تهران.
- ۱۳- صفی‌زاده، دکتر نامیق بوره که بی، آذری، یکی از گویش‌های باستانی زبان کُردی، انتشارات بوره که بی، سنندج، ۱۳۷۵، چاپ نخست.